Archive of SID

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم – شماره سوم – پائیز ۱۳۹۰- شمارهٔ پیاپی ۱۳

سبک شناسی دەنامهٔ ویس و رامین فخرالدّین اسعد گرگانی

(ص ۲۰۰ – ۱۸۳)

اسماعیل تاج‌بخش(نویسنده مسئول)[۱]، هیوا حسن‌پور[۲]
تاریخ دریافت مقاله : ۹۰/۱۲/۲۲
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۸

چکیده:

ویس و رامین فخرالدّین اسعد گرگانی، از نخستین داستانهای عاشقانهٔ ادب فارسی در قالب مثنوی است که بسیار ساده و روان و دور از پیچیدگیهای زبانی است و اثرپذیریش از زبان عربی اندک است. از بخشهای برجسته و درخشندهٔ این منظومهٔ عاشقانه، نامه‌هایی است که توجّه هر خوانندهٔ با ذوق را جلب میکند. ظاهراً فخرالدّین اسعد گرگانی، نخستین کسی بوده که نامه‌نگاری را وارد عرصهٔ شعر فارسی کرده است. آیا میتوان آن را نامه‌سرایی نامید؟ دەنامهٔ ویس و رامین نیز، نامه‌هایی است عاشقانه که ویس آن را با سوز و گداز برای رامین نوشته است و در آن نامه‌ها، رامین را به خود خوانده است. در این مجال، به بررسی سبک‌شناسی این نامه‌ها در سه سطح فکری، زبانی و ادبی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی:
فخرالدّین اسعد گرگانی، ویس و رامین، دەنامه، سبک‌شناسی.

---

۱ - دانشیار دانشگاه علّامه طباطبایی mahdiehtajbaksh@yahoo.com
۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه علّامه طباطبایی h_sa_h@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدّمه:

ویس و رامین فخرالدّین اسعد گرگانی (قرن پنجم) منظومه‌ای است عاشقانه در قالب مثنوی که به بیان و شرح دلدادگیهای ویس و رامین پرداخته است. این منظومه از جهت لفظ و بیان، ساده و شیوا و روان است. تأثیر واژه‌های عربی در آن کم، و تعبیرها و لغت‌های کهنه و اصیل زبان پهلوی در آن فراوان است. ده‌نامه که - بخشی از این منظومه است - نامه‌های عاشقانه‌ای است که ویس، برای معشوق خود، رامین نوشته است. ظاهراً، ده‌نامهٔ ویس و رامین، اوّلین ده‌نامهٔ ادب فارسی است که بعدها ده‌نامه‌هایی چون: ده‌نامهٔ اوحدی مراغه‌ای اصفهانی، ده‌نامهٔ عماد فقیه کرمانی، ده‌نامهٔ ابن نصوح شیرازی و... تحت تأثیر آن سروده شدند. ده‌نامهٔ ویس و رامین، با بیت:

کنون ده در بخواهم گفت نامه به گفتاری که خون بارد ز خامه

(تودوا و گواخاریا، ۱۳۴۹: ۳۶۳/ب۱۰۰)

شروع شده و با بیت:

هزاران بار چونین باد چونین دعا از من زبخت نیک آمین

پایان می‌یابد. این نامه‌ها، حاوی نیازها، خواهشها و سوز و گدازهای عاشقانه است. از ویژگیهای سبکی این ده‌نامه، سادگی و روانی بیان است. سادگی بیان و استفاده از واژه‌های اصیل و نزدیک به پهلوی را شاید بتوان تا حدّی سبک شخصی فخرالدّین دانست. در این مقاله سعی شده است که خصوصیّات بارز سبکی این ده‌نامه مشخّص و بیان شود و برای نیل بدین مقصود به بررسی سطحهای فکری، ادبی و زبانی این ده‌نامه پرداخته شده. ضمن اینکه برای پرهیز از اطناب در هر مورد تنها به ذکر یک نمونه بسنده گردیده و شمارهٔ ابیات دیگر، همراه با صفحهٔ آنها در پایان مقاله (پی‌نوشتها) آمده است.

سطح فکری:

موضوعات ده‌نامهٔ ویس و رامین فخرالدّین اسعد گرگانی به ترتیب: «در صفت آرزومندی و درد جدایی»، «دوست را به یاد داشتن و خیالش را به خواب دیدن»، «اندر بدل جستن بدوست»، «خشنودی نمودن از فراق و امید بستن بر وصال»، «اندر جفا بردن از دوست»، «اندر نواختن و خواندن دوست»، «اندر گریستن به جدایی و نالیدن به تنهایی»، «اندر خبر دوست پرسیدن»، «در شرح زاری نمودن» و «اندر دعا کردن و دیدار دوست خواستن»، است. این نامه‌ها، حاوی سوز و گدازها، خواهشها و نیازهای عاشقانهٔ ویس، به رامین است و

www.SID.ir

Archive of SID

فضای حاکم بر آن، بیشتر غم و اندوه است. ویس در این نامه‌ها، رامین را به سوی خود میخواند و از فراق دوست، ناله‌ها سر میکند:

به گریه گه گهی دل را کنم خوش　　همی آتش کُشم گویی به آتش

(دیوان ویس و رامین،۱۳۴۹: ۳۶۴/ب۷)

و جهان خود را بدون رامین، آشفته‌سرایی بیش نمیداند:

جهانم بی تو آشفته است یکسر　　چو باشد بی امیر آشفته لشکر (همان: ۳۶۵/ب۳۲)

زیرا زنداگانی خود را در او میبیند:

نیابم بی تو کام این جهانی　　همانا کم تو بودی زندگانی(همان: ۳۶۵/ب۳۶)

ویس خود را وفادار به رامین میداند و جفاهای او را به باد فراموشی می‌سپارد:

وفای تو من اکنون بیش دارم　　جفاهایی که کردی یاد نارم (همان: ۳۶۷/ب۹)

و هر چیزی را که میبیند، نشانی از دوست است:

اگر بینم به باغ اندر صنوبر　　همی‌گویم زهی بالای دلبر ... (همان: ۳۶۷/ب۱۸)

و از فرط اشتیاق و آرزومندی، حتّی به دیدار خیالش نیز خرسند است:

ز بس کم دل به تو هست آرزومند　　به دیدار خیالت گشت خرسند(همان: ۳۶۸/ب۳۳)

و تلخی فراق یار را به امید رسیدن به شیرینی وصال، تحمّل میکند. در این نامه‌ها، ویس، عشق خود را به رامین، همیشگی توصیف میکند:

همیشه تا بر آید ماه و خورشید　　مرا باشد به مهرت آز و امّید(همان: ۳۷۴/ب۲۹)

و درخت مهربانی وجود خود را به سرو بوستانی تشبیه میکند که هیچگاه، خزان، برگهایش را زرد نخواهد کرد:

مرا در دل درخت مهربانی　　به چه ماند به سرو بوستانی ... (همان: ۳۷۴/ ب۳۰)

لحن ویس در این نامه‌ها، متغیّر و گوناگون است. گاهی، شدّت اشتیاق و مهر و علاقۀ خود را بیان میکند و بی‌وفاییها و جفاهای رامین را بر میشمرد و گاهی، زیباییهای خود را به رُخ او میکشد. گاهی، عشق و پایداری خود را بیان میکند و گاهی رامین را از روز داوری میترساند. به بیان دیگر، ویس از تمام شگردها و هنرهای خود برای جذب معشوق استفاده میکند « شاید کز آن میان یکی کارگر افتد». برای مثال، در نامۀ پنجم - اندر جفا بردن از دوست - ویس، با یادآوری گذشتۀ رامین - که عاشق و شیفتۀ ویس شده بود - او را متنبّه و آگاه میسازد و از سرکشیهایی که بدان دچار شده است،بر حذر میدارد و با برشمردن گذرا بودن زیباییهای دنیوی و ناچیز و بی ارزش بودن دنیا،او را از بیوفایی و جفاکاری برحذر میدارد:

www.SID.ir

Archive of SID

مگر آن روزها کـردی فراموش که تو بودی ز من بی‌صبر و بـی‌هـوش... (همـان: ۳۷۶/ب۷)
ولیکن گرچه روی تو بهار است همیـــشه بـــر رخانت گل به بار است
بهار نیکـــــوی بر کس نماند جهـــان روزی دهـــد روزی ستـــاند(همان: ۳۷۶/ب۱۵و۱۶)

در پایانِ نامه‌ها، ویس به زاری از خداوند میخواهد:

همی تـــا باز بیـــنم روی آن مـــاه نگه دارش ز چشم و دست بدخواه
بجـــز مهـــر منش تیـــمار منمای بجز دیـــدار مـن دیـــدار منمـــای
و گر رویش نخواهم دید از این پس مرا بی روی او جان و جهـــان بس
هم اکنون جان من بستان بـــدو ده که من بی جان و آن بت بـا دو جـان بـه
(همان: ۳۹۱/ب۲۲ تا ۲۵)

سطح ادبی:

در سطح ادبی، به بررسی جنبه‌های بلاغی (بیان،بدیع معنوی و معانی)پرداخته میشود:

بیان:

در تعریف علم بیان گفته‌اند «ایراد معنای واحد به طرق مختلف است، مشروط بر اینکه اختلاف آن طرق، مبتنی بر تخییل باشد» (شمیسا، ۱۳۸۳ : ۱۳). در واقع شاعر با استفاده از نیروی خیال، تصویرهای عالم واقع را به تصـویرهایی شـاعرانه بـدل میکنـد و بیـان بررسـی همین تصویرهاست.

تشبیه:

تشبیه، مانند کردن چیزی به چیزی است به شرطی که مبتنی بر خیال و کذب باشد نه حقیقت. در مجموع، یکصد و هشتاد تشبیه در دەنامۀ ویس و رامین به کار رفته است که در زیر به تقسیم‌بندی آنها بر اساس بسامد سبکی پرداخته میشود:

قسمت اعظم این تشـبیهات را تشـبیه‌هـای بلیـغ - بـدون ادات و وجـه‌شـبه - تشـکیل میدهند که خود به دو قسمت، اسنادی و اضـافی تقسـیم میشـوند. تعـداد تشـبیهات بلیـغ، هشتاد مورد است که بیست و نه مورد تشبیع بلیغ اسنادی و پنجاه و یک مورد تشبیه بلیـغ اضافی است:

تشبیه بلیغ اسنادی:

نگـارا تـا تـو بـودی در بـر من تنم چون شاخ بود و **گل بر من** (دیوان، ۱۳۴۹: ۳۶۵/ب۲۷) [i]

www.SID.ir

Archive of SID

تشبیه بلیغ اضافی:

تو در دریای هجرم غـرقه بودی ز **موج غم** بسی رنج آزمودی (همان: ۳۸۰/ب۲۶) [ii]

بعد از تشبیهات بلیغ، تشبیهات مفصّل - که تمام ارکان تشبیه ذکر شده است بیشترین بسامد را دارند. تعداد تشبیهات مفصّل در دەنامۀ ویس و رامین، ۶۳ مورد است:

مـرا گوینـــد مگـری کـز گـرستن چو مویی شد به باریکی ترا تن(همان: ۳۷۸/ب۴۵) [iii]

برخی از این تشبیهات، بدیع و تازه هستند که در شعر شاعران دیگر به کار نرفته‌اند:

مرا تنها بمـاند اینجا بـه خـــواری چـــو خـــانِ راهِ مـــرد رهگـذاری (همـان: ۳۸۴/ب۳۵)

تشبیه‌های دیگر دەنامه را، تشبیهات مجمل، مضمر و مشـروط و محـذوف الادات (بالکنایـه) تشکیل میدهند که به ترتیب: ۱۳، ۹، ۸ و ۶ مورد هستند.

تشبیه مجمل:

دلـی پر آتـش و جـانی پر از دود **تنی چون موی** و **رخساری زر اندود**(همان: ۳۹۰/ب۱)[iv]

تشبیه مضمر:

ندانم چون شـدی از مـن شکیبـا که نشکیبد صدف هرگز ز دریا (همان: ۳۷۱/ب۳۰)[v]

تشبیه مشروط:

اگر چون اشک من باشدت باران جهان گردد به یک بارانت ویران (همان: ۳۸۲/ب۲) [vi]

محذوف الادات:

منم درویش با رنج و بلا جفت توی قارون بی بخشایش و زفت (همان: ۳۹/۳۷۴) [vii]

www.SID.ir

Archive of SID

نمودار فراوانی انواع تشبیه در دەنامەی ویس و رامین:

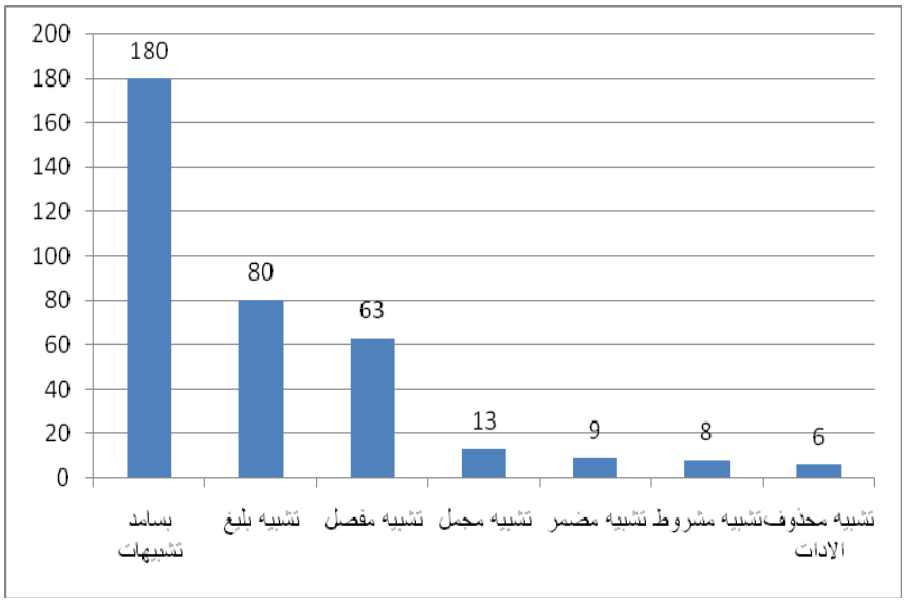

استعاره: در مقایسه با تشبیهات، فخرالدّین اسعد گرگانی از استعاره کمتر بهره برده است و یکی از دلایل سادگی فهم اشعار او نیز، همین استفادهٔ کم از استعاره است. بیشترین استعارههای دەنامه، از نوع استعارهٔ مصرّحهٔ مجرّده - مشبّهبه + ملائمات مشبّه- است. تعداد این نوع استعاره در دەنامهٔ ویس و رامین، ۳۸ مورد است:

ببر بادا پیام من بدان **ماه** که ببریدش قضا از من به ناگاه (دیوان، ۱۳۴۹: ۳۸۷/ب۳۹)[viii]

بعد از این نوع استعاره، استعارهٔ مصرّحهٔ مطلقه - مشبّهبه + ملائمات مشبّهبه و مشبّه - بیشترین بسامد را دارد. تعداد این نوع استعاره، شانزده مورد است:

کجایی ای دو هفته **ماه** تابان چرا گشتی به خون من شتابان (همان: ۳۶۹/ب۱)[ix]

یازده مورد نیز، استعارهٔ مصرّحهٔ مرشّحه - مشبّهبه + ملائمات مشبّهبه - در دەنامهٔ ویس و رامین بکار رفته است:

بیار آن **سرخ گل** بر **زرد گل** نه که در باغ این دو **گل** با یکدگر به (همان: ۳۷۱/ب۳۳)[x]

استعارههای دیگر دەنامه، استعارههای مکنیّه (مشبّه + یکی از ملائمات مشبّهبه)، تبعیّه (استعاره در فعل)، مرکّب (استعاره در جمله که در معنای حقیقی خود بکار نرفته است)، که به ترتیب: ۵، ۳ و ۲مورد هستند:

www.SID.ir

Archive of SID

استعارۀ مکنیّه:

درود از من بدان **زلف رسن باز** که دارد مر مرا مشهور شیراز (همان: ۳۹۳/ب۵۲) [xi]

استعارۀ تبعیّه:

وفا **کشتم** بدان تا چشم بی‌خواب دهد کشت مرا از دیدگان آب (همان: ۳۶۹/ب۴۶) [xi i]

استعارۀ مرکّب:

نشانم **گرد هر چیزی به گردی** کنم درمان هر دردی به دردی (همان: ۳۶۴/ب۸)

نمودار فراوانی انواع استعاره در دەنامۀ ویس و رامین:

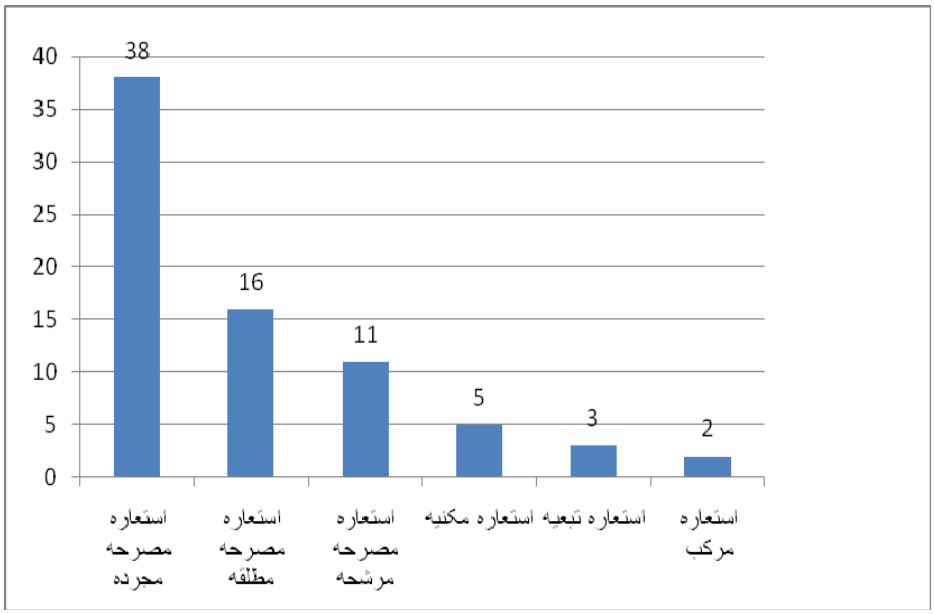

کنایه: کنایه‌های بکار رفته در دەنامۀ ویس و رامین، همه از نوع کنایه از فعل یـا مصـدر هستند یعنی فعل یا مصدری در معنای فعل یا مصدری دیگر بکار رفته است. تعداد کنایه‌ها در دەنامۀ ویس و رامین، ۵۴ مورد است:

مکش چندین کمان بر دوستانت که ناگه بگسلد زه از کمانت (دیوان، ۱۳۴۹: ۳۷۶/ب۱۷) [*]

[*] مصراع دوّم از نسخه بدل انتخاب شد. و در متن کتاب بدین صورت آمده: « که ناگه بشکند روزی کمانت». به نظر ما، نسخه بدل، بر بیتی که مصحّحان گرامی انتخاب کرده‌اند، ترجیح دارد. زیرا هم معنای کنایی و تناسب در بیت تقویت میشود و هم، در سنّت ادبی، زه از کمان گسستن آمده است نه کمان شکستن. انوری میگوید:

www.SID.ir

Archive of SID

که در بیت بالا، «کمان بر دوستان کشیدن» و «زه از کمان گسستن» به ترتیب در معنای: ستم کردن بر دوستان و درمانده و بیچاره شدن بکار رفته‌اند. و یا در بیت:

اگر گیرم ترا یک روز دامن بسا شرما که خواهی بردن از من (همان: ۳۶۹/ب۴۸)[xiii]

«دامن گرفتن» به معنای دادخواهی کردن بکار رفته است.

نمودار فراوانی آرایه‌های بیانی در دەنامۀ ویس و رامین:

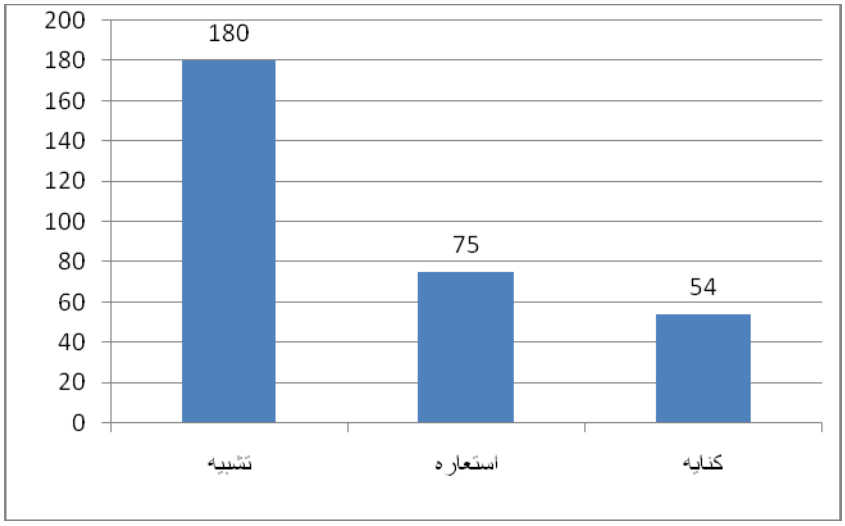

بدیع معنوی: در این بخش به بررسی عناصر موسیقی معنوی کلام پرداخته میشود.

تضاد: تضاد یا طباق یعنی دو یا چند واژه در کلام از لحاظ معنی ضد هم باشند. بسامد استفاده از این نوع آرایه در دەنامۀ ویس و رامین، ۸۳ مورد است:

ز من خشنود باشد یا دلازار جفاجویست با من یا وفادار (همان: ۳۸۶/ب۱۵)[xiv]

که در بیت بالا،کلمه‌های:خشنود و دلازار؛جفاجو و وفادار از لحاظ معنی ضدّ هم هستند.

اغراق: در مجموع،۷۶ مورد اغراق در دەنامۀ ویس و رامین بکار رفته است:

چنان گریم که گرید ابر آذار چنان نالم که نالد کبک کهسار(دیوان: ۳۹۰/ب۴)[xv]

در بیت بالا، ویس گریۀ خود را مانند بارش ابر آذاری (که در اینجا باریدن را با استفاده از صنعت تشخیص به گریۀ ابر تعبیر کرده است) و ناله و بیقراری خود را مانند کبک

آنجا که در زه آرد دستت کمان بخشش ابر از حسد ببرّد زه از کمان رستم (مدرّس رضوی، ۱۳۷۲: ۳۳۴)

www.SID.ir

Archive of SID

کوهساری دانسته است که خواننده با استفاده از قراین عقلی متوجّه خواهد شد که جمله در معنای ظاهری بکار نرفته است بلکه هدف افراط و تأکید بر «گریه و بیقراری» است.

ارسال‌المثل: یکی دیگر از خصوصیّات بارز سبکی دەنامۀ ویس و رامین را ایـن صـنعت بدیعی تشکیل میدهد که سی و هفت مورد بکار رفته است:

دلت با یار دیگر زان بپیوست کجا غرقه به هرچیزی زند دست (دیوان، ۳۸۰/ب۲۷) [xvi]

در بیت بالا، مصراع دوّم ضرب‌المثل است که برای تأکید مصراع اوّل آورده شده اسـت و با تشبیه مضمر و مرکّبی، (تو) مقدّر در مصراع اوّل که به یار دیگری پیوسته است به غریقی تشبیه شده که برای نجات خود دست به هر چیزی میزند تا مانع غرق شدنش شود.

حسن تعلیل: حسن تعلیل نیز یکی دیگر از خصوصـیّات بـارز سـبکی دەنامـۀ ویـس و رامین است که بسامد استفاده از آن، سی و چهار مورد است:

وفا را در دلم زیرا درنگ است ازیرا کاین دلم بنیاد سنگ است(دیوان، ۱۳۴۹: ۳۶۷/ب۱۳) [xvi i]

که ویس، دلیل ماندگاری وفا را در دل خود، سنگ بودن آن - دل خود - ذکر میکند که وفا نمیتواند از آن خارج شود.

مراعات النظیر: بسامد استفاده از این آرایۀ معنوی، بیست و هشت مورد است:

بِکِشتی در دلم تخم هوایت کنون آبش ده از جوی وفایت (۳۶۶/ب۳۷) [xvi i i]

که بین واژه‌های: کاشتن، تخم (بذر)، آب و جو، ارتباط و تناسب است.

حرف گرائی: حرف گرائی« یعنی تشبیه به شـکل و موقعیّـت حـروف الفبـا» (شمیسـا، ۱۳۸۱: ۱۱۰).بسامد استفاده از این نوع آرایه در دەنامۀ ویس و رامین، تنها هفت مورد است:

جهان حلقه شده بر من چو میمش امید من شکسته همچو جیمش (دیوان ۳۸۸/ب۱۲) [xi x]

که ویس، در مصراع اوّل، مردم جهان را که به دور او حلقه زده‌اند به «م» - شکل دایـره بودن مـ - تشبیه کرده و وجه‌شبه، گِرد بودن و حلقه مانند بودن است و در مصـراع دوّم، نـا امیدی خود را به شکل نوشتاری «ج» که حالت شکسته دارد، تشبیه کرده است.

تلمیح: در دەنامۀ ویس و رامین، تنها شش مورد تلمیح بکار رفته است:

از آن خوانند آرش را کمانگیر که از ساری به مرو انداخت یک تیر... (دیوان ۳۷۸/ب۳۹) [xx]

www.SID.ir

Archive of SID

نمودار فراوانی آرایه‌های بدیع معنوی در دەنامۀ ویس و رامین:

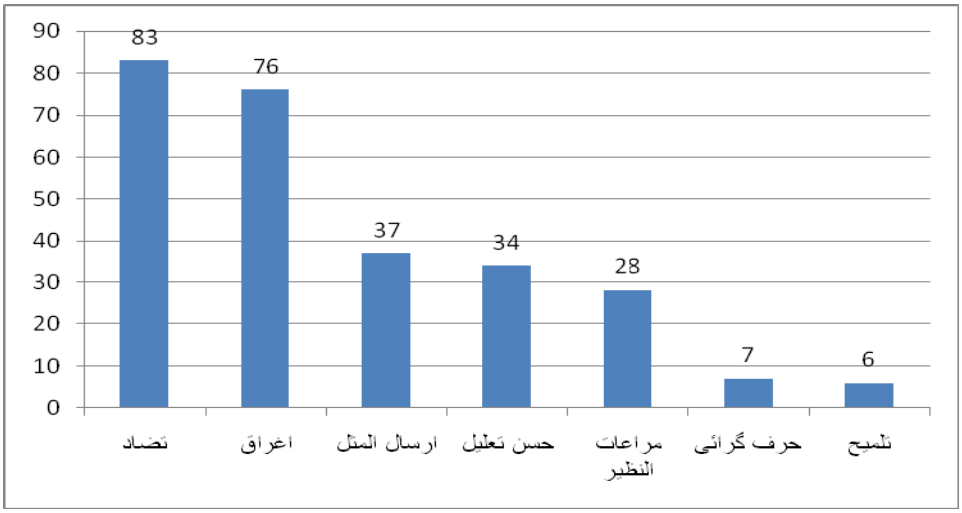

معانی: در علم معانی از معانی ثانویۀ جملات بحث میشود. در این علم، تأثیرگذاری کلام و شیوه‌هایی که باعث این تأثیرگذاری میشوند، مورد نظر است «فایدۀ علم معانی متعدّد است. فایدۀ اصلی آن، این است که ما را با امکانات فراوان زبان آشنا میسازد تا بتوانیم به مقتضای حالات مختلف از آن امکانات استفاده کنیم و سخن مؤثّر بگوییم» (شمیسا،۱۳۷۴: ۱۱۹). چنانکه پیشتر بیان داشتیم، فضای حاکم بر دەنامه، فضایی غم‌گرایانه است که ویس، حالات و روحیّات خود را در نبودِ رامین بیان میکند پس بدیهی است که بسامد با جمله‌های خبری در معانی تأثّر و اندوه است. در اینجا برای پرهیز از اطناب، فقط به ذکر مواردی که دارای بسامد بالایی هستند و از نظر علم معانی قابل توجّهند، پرداخته میشود:

ز درد من همه همسایگانم فغان برداشتند از بس فغانم (دیوان ۳۸۳/ب۳۱)

چنان از حسرت دل برکشم آه کجا ره گم کند بر آسمان ماه (همان: ۳۹۰/ب۷)

تنم را آرزومندی چنان کرد که از دیدار بیننده نهان کرد (همان: ۳۶۵/ب۱۸)

که در ابیات بالا، جمله‌های خبری در معانی اندوه و تأثّر بکار رفته‌اند. بعد از جملات خبری، بسامد با جملات پرسشی است که بیشتر در معنای استفهام انکاری بکار رفته‌اند:

دلی کاو شد تهی از خون خود نیز در او آرام چون گیرد دگر چیز (همان:۳۶۵/ب۲۵)

← یعنی آرام نمی‌گیرد

www.SID.ir

Archive of SID

دلی کاو را تو هم جانی و هم هوش از آن دل چون شـود یـادت فرامـوش (همـان: ۳۶۷/ب۶)
←یعنی فراموش نمی‌شود

بعد از جملات خبری و پرسشی، بسامد با جملات امری است که بیشـتر در معنـای تعجیـز و التماس و تحذیر بکار رفته‌اند:

چو جان باشد گزیده یار پیشین تو بر یار گزیده هیچ مگزین (همان: ۳۸۰/ب۳۳)
و گر پر تیـــر داری جعبۀ ناز همه تیرت به یک عاشق میانداز (همان: ۳۷۶/ب۱۸)

که در ابیات بالا، جملات پرسشی در معنی، تحذیر بکار رفته‌اند.

اگـر دانـی شفیـــع و یاورم را ببخشای این دل بی داورم را (همان: ۳۸۸/ب۲۰)
تو نیز اکنون مکن محکم کمانی به دل یاد آر مهـر سالیـــانی (همان: ۳۸۹/ب۲۴)

که در ابیات بالا، جملات پرسشی در معانی، تعجیز و التماس بکار رفته‌اند.

لازم به ذکر است که شاید بتوان خصوصیّات سبکی دیگری را که در سطح نحوی دەنامه بکـار رفته‌اند، نشان داد امّا در سبک، بسامد مهم است و موارد ذکر شده بر اسـاس بسـامد سـبکی و بـه ترتیب کثرت استعمال نقل شده است. با دقّت در ابیات دەنامه از نظر علم معـانی، مبحـث مطـرح شده در سطح فکری - اینکه ویس از تمام شگردها برای جذب معشوق استفاده کرده است - کاملاً مشخّص و روشن میشود زیرا که ویس در جملات خبری، بیشـتر نـزاری و رنجـوری و همچنـین معاشقات و خاطرات گذشتۀ خود را با معشوق بیان کرده است و بـا اسـتفاده از جمـلات پرسشـی سعی کرده است معشوق را متنبّه و آگاه سازد و سرانجام نیز، با اسـتفاده از جمـلات امـری - کـه بیشتر در معانی تعجیز و التماس و تحذیر است - معشوق را از بی‌وفایی بر حذر داشـته اسـت. بـه بیان دیگر، ویس برای جذب طرف مقابل - رامین - از تمام شگردهای زبانی استفاده کرده است.

سطح زبانی: در سطح زبانی به بررسی موسیقی (بیرونی، کناری و درونی) و جنبه‌هـای لغوی و نحوی کلام پرداخته میشود.

موسیقی بیرونی یا وزن ویس و رامین - و دەنامه که قسـمتی از ایـن مجموعـه اسـت - مفاعیلن مفاعیلن فعولن (بحر هزج مسدّس مقصور یا محذوف) است. نکته‌ای که دربارۀ وزن عروضی دەنامه گفتنی است، آن است که در بعضـی از بیتهـا، بـرای رعایـت وزن، بعضـی از کلمات را باید مشدّد خواند تا وزن شعر حفظ شود برای نمونه در بیت زیر:

همیشه تا برآید ماه و خورشید مرا باشد به مهرت آز و امّید (دیوان: ۳۷۴/ب۲۹)

که واژۀ «امید» برای رعایت وزن، باید مشدّد خوانده شود.

در موسیقی کناری، تنها در ۸ مورد جناس در قافیه آمده است:

درود از من بدان روی چو گلبرگ که از شرم رُخش ریزد ز گُل برگ (همان: ۳۹۳/ب۵۷) [xxi]

www.SID.ir

Archive of SID

در قافیه پردازی دهنامه در ۴۰ مورد از حاجب در قافیه استفاده شده است. حاجب « در لغت به معنی پوشنده و پردهدار و در اصطلاح قافیه کلمهای است که پیش از قافیه به لفظ و معنی واحد تکرار شود و پسندیدهترین نوع حاجب آن است که میان دو قافیه در آید» (ماهیار، ۱۳۸۶: ۲۹۳)

بر آرم سرد بادی زین دل ریش نمایم باد را راز دل خویش(دیوان: ۳۸۶/ب۳۰) [xxi i]

که در بیت بالا، قبل از قافیه (ریش و خویش) واژهٔ «دل» در هر دو مصراع آمده است. و در ۱۳ مورد، از ذوقافیتین استفاده شده است. ذوقافیتین «اشعاری است که دو قافیه پهلوی یکدیگر، یا به اندک فاصله داشته باشند، این صنعت نیز، یکی از فروع و موارد التزام و لزوم مالایلزم است» (همایی،۱۳۷۳: ۷۸)

هر آن روزی که تو کمتر گرستی جهان را دجلهٔ دیگر ببستی (دیوان: ۳۷۶/ب۵) [xxi i i]

که واژههای «کمتر، دیگر» نیز قبل از قافیههای «گرستی، ببستی» با هم قافیه شدهاند و به نوبهٔ خود، نوعی موسیقی را در شعر پدید آوردهاند.

در موسیقی درونی نیز، بیشترین بهرهوری دهنامه، از واجآرایی (نغمهٔ حروف) است به گونهای که کمترین بیتی را میتوان پیدا کرد که این آرایش (هم در مصوّت و هم در صامت) در آن دیده نشود. در زیر فقط یک نمونه از بیتهایی که واجآرایی دارد، آورده میشود:

جدا شد کام من تا تو جدایی نیاید باز تو تا باز نایی (همان: ۳۶۵/ب ۳۰)

که در بیت بالا، صدای برخاسته از مصوّتهای: «آ»، «ی» به افزون شدن موسیقی شعر کمک کرده است.

یکی دیگر از صنایعی که در حوزهٔ موسیقی درونی شعر در دهنامهٔ ویس و رامین حائز اهمیّت است، صنعتهای موازنه و ترصیع هستند که به ترتیب: ۲۹، ۹ مورد بکار رفتهاند. موازنه « هماهنگ کردن دو (یا چند) جمله به وسیلهٔ تقابل اسجاع متوازن است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۴)

چو در خوابم همی مهرم نمایی چو بی خوابم همی دردم فزایی (دیوان: ۳۶۸/ب۲۴)[xxi v]

ترصیع «حداقل در دو جمله (و یا به قول قدما فقره) اسجاع متوازی در مقابل یکدیگر قرار گیرند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۳)[xxv]

همی دانی که چون خسته روانم همی دانی که چون بسته زبانم (دیوان: ۳۹۱/ب۱۴)

از عوامل دیگری که در موسیقی درونی دهنامه تأثیرگذار بوده است، تکرار واژه است که به صورتهای زیر نمود پیدا کرده است:

www.SID.ir

Archive of SID

۱- به صورت تصدیر (ردّالصدر الی العجز) که یک واژه به صورت منظم در آغـاز و پایـان بیت تکرار شده است، این آرایش تنها در دو بیت دیده میشود کـه یکـی از آنهـا بـه عنـوان نمونه ذکر میشود:

به **ناله** مـی‌بدانسـتند حـالم کنـون نتـوانم از سسـتی کـه **نـالم** (همـان: ۳۶۵/ب۱۹) [xxvi]

۲- به صورت ردّالصدر الی العروض که گونه‌ای تصدیر است و در هفت مورد دیده میشود؛ در این آرایش، یک واژه به طور منظم در آغاز و پایان مصراع نخست تکرار میشود:

درود از من بدان کاو را **درود** است مرا بی او دو دیده چون دو رود است (همان: ۳۹۳/ب۶۳) [xxvi i]

۳- به صورت ردّالصدر الی الابتداء که در سه مورد دیده میشود؛ در این آرایش، یک واژه به طور منظم در آغاز دو مصراع تکرار میشود:

همان است او که من دیدم همان است **همان** سنگین دل و نامهربان است(همان: ۳۸۶/ب۱۹) [xxvi i i]

۴- به صورت ردّالابتدا الی العجز، که در چهار بیت دیده میشود؛ در این آرایش، یک واژه به طور منظم در آغاز و پایان مصراع دوّم تکرار میشود:

ز درد من همه همسایگانم **فغان** برداشتند از بس **فغانم** (همان: ۳۸۳/ب۳۱) [xxi x]

۵- به صورت ردّالعروض الی الابتدا، که در نُه بیت دیده میشود؛ در این آرایش یـک واژه به طور منظم در آخر مصراع نخست و اوّل مصراع دوّم دیده میشود:

همی سخت آیدت کز تو **بنالم** **بنالم** تا شوی آگه زحالم (همان: ۳۷۹/ب۱۱) [xxx]

۶- به صورت ردّالعجز الی الصدر که تنها در یک بیت این آرایش دیـده میشـود؛ در ایـن آرایش، کلمۀ پایانی بیت نخست در آغاز بیت بعدی تکرار میشود:

اگر درمان بیمار از طبیب است مرا خود درد و آزار از **طبیب** است

طبیب من خیانت کرد با مـــن بماند از غدر او این درد با من (همان: ۳۶۶/ب۴۲و۴۳)

۷- به صورت ردّالعروض الی العجز، که تنها در یک بیت دیده میشود؛ در این آرایش یک واژه در پایان دو مصراع تکرار میشود:

تو با صد گنج پیروزی و **نازی** به چندین گنج شاید گر **بنازی** (همان: ۳۷۶/ب۱۴)

سطح لغوی: مباحثی کـه در سـطح لغـوی مطـرح میشـود، بیشـتر مربـوط بـه محـور همنشینی (syntagmatic axis) و محور جانشینی (paradigmatic axis) اسـت. در واقع گزینش شاعر و انتخاب واژگان و شیوۀ قـرار گـرفتن آنهـا در جملـه مـورد بحـث قـرار میگیرد و بطور کلّی شاید بتوان گفت که تفاوت سبکها از همین جا ناشی میشود. برای مثال در غزلیّات حافظ، نحوۀ انتخاب واژگان و چیدن آنهـا در محـور همنشـینی و جانشـینی بـه

www.SID.ir

Archive of SID

گونه‌ای است که شاید نتوان کلمه‌ای یا واژه‌ای را جایگزین کلمه یا واژه‌ای دیگر کرد زیرا در این محورها، نهایت دقّت و توجّه انجام شده است. فخرالدّین اسعد گرگـانی، خـود، در مـتن ویس و رامین،به این نکته که ویس و رامین در اصل،به زبان پهلوی بوده است، اشاره میکند:

ولیکن پهلوی باشد زبانش نداند هرکه برخواند بیانش (دیوان: ۱۳۴۹: ۲۸/ب۳۳)

همهٔ این اثر و به تبع آن ده‌نامه که بخشی از این اثر است در سطح واژگانی بیشتر تحت تأثیر زبان پهلوی بوده است و بسیار کم از زبان عربی تأثیر پذیرفته است. در زیر، واژه‌هـایی را که در ده‌نامه، بکار رفته و در سطح لغوی حائز اهمیّت است، آورده میشود:

«آغاریدن» به معنای **«سرشتن و تحریک کردن»**:

به اشک دل فرو شویم سیاهی بیاغارم زمین تا پشت ماهی (همان: ۳۹۰/ب۶)

«سگالیدن» به معنی **«خصومت و اندیشهٔ بد»**:

مرا گویند بیهـوده چه نالـی چرا چندین ز بدمهری سگالی (همان: ۳۷۰/ب۳)

«طبرزد» (تبرزد) به معنای **«نبات و قند سفید»**:

کسی کش مار شیـــوا بر جگر زد ورا تریاک سازد نه طبرزد (همان: ۳۷۰/ب۷)

«کشفته» به معنی **« پریشان و شکافته شده»**:

درود از من بدان باغ شکفته که دارد خانهٔ صبرم کشفته (همان: ۳۹۲/ب۳۸)

«همال» به معنی **«شریک و همتا و همانند»**:

هـمـــالانـم چـو مهـر دل نـمـایـــند مرا گه گه بپرسیدن درآیند (همان: ۳۶۴/ب۱۵)

«یافه» که ریخت کهن یاوه است به معنای **«سخنان بدون پایه و اساس»**:

همی تا با تو گویم یافه گفتار روم لابه کنم در پیش دادار (همان: ۳۹۰/ب۴۳)

«دیدار» به معنی **«چشم و دیده»**:

تنم را آرزومندی چنان کـــرد که از دیدار بیننده نهان کرد (همان: ۳۶۵/ب۱۸)

«چک» به معنی **«برات و قباله»**:

نهال مهر بس باد اینکه کشتم چک بیزاری از خوبان نوشتم (همان: ۳۷۲/ب۲۲)

«کجا» به معنی **«که»**:

به دل گویم هم‌اکنـــون در رسد دوست کجا آن بوی خوش بوی تن اوست (همان: ۳۶۸/ب۲۰)

«بایستن» و «شایستن» به ترتیب در معناهای: لازم و واجب بودن؛ سزاوار و لایق بـودن کـه در متون کهن – برخلاف امروز – صرف میشده و معنای قیدی نداشته‌اند:

مرا چشم از پـی دیـدنت بـایـــد و گر دیده نباشد بی تو شاید (همان: ۳۸۲/ب۷)

www.SID.ir

Archive of SID

«آگه» به معنی **«آگهی»**:

حسودا تو مگر آگه نداری که در باران بود امّیدواری (همان: ۳۷۸/ب۴۷)

استعمال **«اندر»** بجای **«در»**:

بگرید چون ببیند دیدۀ من مهار دوست اندر دست دشمن (همان: ۳۶۴/ب۱۰)

واژۀ **«شخص»** به معنی **«تن»**:

اگر مرگ آید و سالی نشیند به جان تو که شخص من نبیند (همان: ۳۶۵/ب۲۰)

«همبر» به معنی **«همراه»**:

دلی کاو با تو همراهست و همبر چگونه مهر بندد جای دیگر (همان: ۳۶۷/ب۵)

استعمال **«بُوَم»** به معنی **«باشم»**:

چه باشد گر بُوَم صد سال بیدار چو در گیتی بود نامم وفادار (همان: ۳۶۹/ب۴۵)

ظاهراً، واژۀ «بُوَم» ریخت کهن «باشم» است و امروزه نیز این واژه به همین معنا در زبان کُردی کاربرد دارد.

«گذاردن» به معنی **«سپردن و طی کردن»**:

بامّید آن همه دریا گذارد که تا سودی بیابد زآنچه دارد (همان: ۳۷۴/ب۲۳)

استعمال **«مگر»** به معنای **«حتماً»**:

کنون افزونتر از جمشید گشتی مگر همسایۀ خورشید گشتی (همان: ۳۷۶/ب۶)

«مهرکار و مهر ورزیدن» به معنای **«عاشقی پیشه کردن»**:

هر آن عاشق که کار مهر ورزد دو صد جان پیش وی نانی نیرزد

چنین باید که باشد مهرکاری چنین باید که باشد دوستداری (همان: ۳۸۲/ب۲۲و۲۳)

نتیجه:

در این مقاله، از دید سبک‌شناسی به بررسی دەنامۀ ویس و رامین فخرالدّین اسعدگرگانی پرداخته شد و برای نیل بدین مقصود، سطحهای: فکری، ادبی و زبانی آن بررسی شد و در نهایت میتوان نتایج کلّی زیر را ارائه داد:

۱- از نظر فکری، فضای حاکم بر این نامه‌ها، فضایی غم‌آلود است که در آن نازها و نیازهای عاشقانه همراه با خواهشها و عطشهای درونی و نیازها و تمنّاها بیان شده است.

۲- از نظر ادبی، در حوزۀ علم بیان، بیشترین استفادۀ فخرالدّین اسعد گرگانی از تشبیه بوده است که این تشبیهات، با زبانی ساده و شیوا و بدور از پیچیدگی بیان شده‌اند. در

www.SID.ir

Archive of SID

مقایسه با تشبیه، بسامد استفاده از استعاره در ده‌نامه، کمتر است و شاید بتوان یکی از دلایل سادگی آن را همین استفادهٔ کم از استعاره دانست البتّه استعاره‌های بکار رفته نیز، استعاره‌هایی هستند که به سادگی قابل فهم هستند. کنایه‌های بکار رفته در آن نیز، کنایه-های ساده و روشنی هستند که در ادب فارسی فراوان بکار رفته‌اند. در حوزهٔ بدیع معنوی هم، بیشترین استفادهٔ فخرالدّین به ترتیب بسامد از: تضاد، اغراق، ارسال‌المثل، حسن تعلیل، مراعات‌النظیر، حرف‌گرائی و تلمیح بوده است که همهٔ موارد یاد شده در نهایت سادگی و شیوایی بیان شده‌اند. در حوزهٔ علم معانی نیز، بیشتر از جملات خبری و سپس پرسشی و امری استفاده شده است.

۳- از نظر زبانی، در قافیه‌پردازی ده‌نامه، تنها در ۸ مورد از جناس استفاده کرده است و در ۴۰ مورد از حاجب و در ۱۳ مورد از ذوقافیتین در قافیه استفاده کرده است. در حوزهٔ علم بدیع لفظی نیز، بیشترین بهره‌وری آن از واج‌آرایی - هم در صامت و هم در مصوّت - بوده است و به بیان دیگر، شاید بتوان یکی از بارزترین مختصّات سبکی ده‌نامه ویس و رامین را همین استفادهٔ زیاد از واج‌آرایی دانست. دیگر صنعتهای بدیع لفظی بکار رفته در ده‌نامه به ترتیب بسامد عبارتند از: موازنه، ترصیع و تکرار. در سطح لغوی نیز، ده‌نامه کمتر تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته است و بیشتر لغات آن، همان ترکیبات و لغات نزدیک به زبان پهلوی است.

فهرست منابع:

۱- بهار، محمّد تقی (۱۳۶۹)، سبک‌شناسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ پنجم

۲- تودوا، ماگالی و گواخاریا، الکساندر(۱۳۴۹)، دیوان ویس و رامین، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چ اوّل

۳- شفیعی کدکنی، محمّد رضا (۱۳۶۸)، موسیقی شعر، تهران: انتشارات آگاه

۴- ----- (۱۳۸۵)، شاعر آینه‌ها. تهران: آگاه چ هفتم

۵- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، کلیّات سبک‌شناسی، تهران: انتشارات فردوس

۶- ----(۱۳۸۳)، نگاهی تازه به بدیع، تهران: انتشارات فردوس، چ چهاردهم (ویرایش دوّم)

۷- ---- (۱۳۷۴)، بیان و معانی، تهران، انتشارات فردوس، چ هشتم

۸- عبادیان، محمود (۱۳۶۸)، درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیّات، تهران: انتشارات جهاد دانشگاه تهران

۹- ماهیار، عباس(۱۳۸۶)، عروض فارسی، تهران: نشر قطره، چ نهم

۱۰- مدرّس‌رضوی،محمّدتقی(۱۳۷۲)،دیوان انوری(ج ۲،قصائد)،تهران:انتشارات علمی فرهنگی،چ چهارم

۱۱- همایی، جلال‌الدّین(۱۳۷۳)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشر هما، چ نهم

www.SID.ir

Archive of SID

پی نوشتها:

[i]- ۱۳/۳۶۴. ۲۷/۳۶۵. ۶/۳۶۷(۲مورد) و ۱۲. ۱۲/۳۷۰و ۱۳(۲مورد) و ۱۷و ۲۱. ۲۵/۳۷۱(۲مورد) و۲۷(۲مورد) و۲۸ (۲مورد) و ۳۱(۲مورد) و ۳۲(۲مورد). ۱۵/۳۷۶. ۴۸/۳۸۷(۲مورد). ۲۵/۳۸۹(۲مورد) و ۲۷و ۲۸. ۱/۳۹۰. ۳۲/۳۹۲.

[ii]- ۱۴/۳۶۴. ۳۷/۳۶۶(۲مورد) و۴۷. ۱۷/۳۶۷. ۴۱/۳۷۲و۴۲. ۹/۳۷۳(۲مورد). ۳۰/۳۷۴ و ۳۳. ۱۶/۳۷۶ و ۱۸ و ۱۹(۲مورد). ۴۳/۳۷۸(۲مورد). ۲۶/۳۸۰(۲مورد). ۴۵/۳۸۱و ۴۹. ۲۷/۳۸۳و ۳۰. ۳۴/۳۸۴و ۳۹. ۹/۳۸۵. ۲۰/۳۸۶(۲مورد) و ۲۶و ۲۸و ۳۱. ۵۰/۳۸۷ و ۱(۴مورد). ۱۸/۳۸۸. ۲۲/۳۸۹و ۲۶. ۹/۳۹۱ و ۱۶و ۱۷. ۳۷/۳۹۲و ۳۹. ۳۸/۳۹۳و ۴۵و ۴۶و ۴۸و ۵۱و ۶۲. ۷۲/۳۹۴.

[iii]- ۶/۳۶۴. ۲۲/۳۶۵و ۲۴و ۳۲. ۴/۳۶۷. ۳۴/۳۶۸. ۱۷/۳۷۰. ۲۳/۳۷۱(۲مورد) و ۲۹(۲مورد) و ۳۵. ۴۳/۳۷۲و ۴۴. ۳۸/۳۷۴(۲مورد). ۴۲/۳۷۵و ۴۳و ۴۴و ۳. ۴/۳۷۶(۲مورد)و ۹(۲مورد)و ۱۹. ۲۳/۳۷۷و ۳۱(۲مورد). ۴۵/۳۷۸. ۳/۳۷۹و ۱۲. ۱۹/۳۸۰و ۳۰(۲مورد). ۳۵/۳۸۱و ۳۷و ۴۲(۲مورد). ۳۴/۳۸۴و ۳۵و ۴۱و ۴۴و ۴۵. ۲/۳۸۵(۲مورد) و ۳و ۶. ۲۰/۳۸۶و ۲۴. ۵۰/۳۸۷. ۱۱/۳۸۸(۲مورد)و ۱۲(۲مورد)و ۱۳(۲مورد)و ۱۵. ۲۶/۳۸۹. ۴/۳۹۰(۲مورد)و ۵(۲مورد). ۵۴/۳۹۳.

[iv]- ۱۲/۳۶۷. ۴۷/۳۶۹(۲مورد). ۳۰/۳۷۴و ۳۳. ۳۳/۳۸۰. ۴۶/۳۸۱(۲مورد). ۳۸۴/ ۳۹. ۱/۳۹۰. ۳۲/۳۹۲. ۵۷/۳۹۳و ۶۴.

[v]- ۷/۳۶۴. ۲۸/۳۶۵. ۳۸/۳۶۶. ۱۸/۳۶۷. ۱۸/۳۷۰. ۳۰/۳۷۱. ۳۸/۳۸۱. ۳۸/۳۸۴. ۳۶/۳۸۷.

[vi]- ۱/۳۶۳(۲مورد). ۲/۳۶۴(۳مورد). ۱۶/۳۶۷. ۲۸/۳۷۷. ۲/۳۸۲.

[vii]- ۱۱/۳۶۴، ۴۴/۳۷۸، ۴۷/۳۸۱، ۱۵/۳۸۳

[viii]- ۲۷/۳۶۵. ۴۶/۳۶۶و ۱. ۴۰/۳۶۹. ۱۳/۳۷۰. ۲۵/۳۷۱و ۳۲و ۳۴. ۴۷/۳۷۵. ۳۷/۳۷۷. ۱/۳۷۸. ۴۳/۳۸۴. ۱۰/۳۸۵و ۱۱. ۲۰/۳۸۶. ۳۷/۳۸۷و ۳۹و ۴۹و ۱. ۳۶/۳۸۹. ۲۲/۳۹۱. ۲۵/۳۹۲و ۲۶و ۳۴(۲مورد)و ۳۶و ۴۰و ۴۱. ۴۳/۳۹۳و ۴۴(۲مورد)و ۴۵و ۵۵و ۵۹(۲مورد)و ۶۰(۲مورد)و ۶۲.

[ix]- ۱/۳۶۹. ۱۵/۳۷۶. ۳۰/۳۸۶. ۲۲/۳۸۹. ۳۵/۳۹۲(۲مورد)و ۳۷و ۳۹و ۴۱و ۴۲(۲مورد). ۳۸/۳۹۳و ۴۴و ۴۹و ۵۶و ۵۸.

[x]- ۱۲/۳۷۰. ۲۹/۳۷۱و ۳۳(۳مورد). ۴۸/۳۷۲(۲مورد). ۲۰/۳۷۷و ۳۷. ۵۰/۳۷۸(۲مورد).

[xi]- ۲۳/۳۶۸. ۱۰/۳۷۶. ۳۷/۳۷۷. ۱۸/۳۸۳. ۵۲/۳۹۳.

[xii]- ۴۶/۳۶۹. ۴۰/۳۷۲. ۳۴/۳۷۷.

[xiii]- ۷/۳۶۴و ۱۰و ۱۷/۱۳.۳۶۵. ۱/۳۶۶. ۳۱/۳۶۸. ۴۱/۳۶۹و ۴۸و ۱. ۲۴/۳۷۱. ۴۲/۳۷۲(۲مورد). ۲۶/۳۷۴(۲مورد). ۴۷/۳۷۵. ۶/۳۷۶و ۱۷(۲مورد). ۲۳/۳۷۷و ۲۶(۲مورد)و ۳۳و ۳۴و ۳۸. ۵۲/۳۷۸. ۶/۳۷۹. ۲۴/۳۸۰. ۴۱/۳۸۱. ۱۲/۳۸۲. ۲۱/۳۸۳و ۲۲. ۴۸/۳۸۴و ۴۹. ۵/۳۸۵(۲مورد)و ۶و ۱۲و ۱۳. ۱۶/۳۸۶. ۷/۳۸۸و ۸. ۲۳/۳۸۹و ۲۴و ۳۵. ۴۱/۳۹۰و ۲و ۳. ۱۰/۳۹۱(۲مورد). ۳۶/۳۹۲و ۳۷. ۴۶/۳۹۳و ۴۸و ۵۰و ۵۳.

[xiv]- ۹/۳۶۴و ۱۰. ۴۲/۳۶۶و ۴۴و ۴۷. ۴/۳۶۷و ۷و ۹و ۱۰. ۲۴/۳۶۸و ۲۵و ۲۶و ۲۹و ۳۰و ۳۱و ۳۲و ۳۷. ۴۰/۳۶۸و ۴۳و ۴۹. ۳۵/۳۷۱. ۲/۳۷۲و ۳. ۶/۳۷۳و ۸و ۹و ۱۱و ۱۵و ۱۸. ۲۲/۳۷۴و ۲۵و ۲۸و ۲۹و ۳۱و ۳۴و ۳۶و ۳۷و ۳۹. ۴۲/۳۷۵و ۴۴و ۴۵و ۵۰. ۹/۳۷۶و ۱۱و ۱۹. ۲۴/۳۷۷و ۲۸و ۳۳و ۳۴و ۳۵و ۳۶. ۵۰/۳۷۸و ۱. ۱۰/۳۷۹و ۱۲. ۲۱/۳۸۰و ۲۳و ۲۵و ۲۹و ۳۰و ۳۴. ۴۰/۳۸۱و ۴۷. ۱۴/۳۸۲. ۱۸/۳۸۳و ۲۶. ۴۲/۳۸۴. ۳/۳۸۵و ۱۱و ۱۲. ۱۵/۳۸۶و ۱۷. ۳۸/۳۸۷و ۴۴. ۲۸/۳۸۹و ۳۳و ۳۸. ۴۶/۳۹۰. ۲۵/۳۹۲و ۲۸و ۴۰. ۶۵/۳۹۴و ۶۶و ۶۸.

www.SID.ir

Archive of SID

[xv]– ۴/۳۶۴و ۶و ۱۶. ۱۸/۳۶۵و ۱۹و ۲۰و ۲۲و ۲۵و ۳۱و ۳۳. ۳۸/۳۶۶. ۴۰/۳۶۹و ۴۱و ۴۵و ۴۶. ۲۱/۳۷۰. ۲۹/۳۷۴. ۴۷/۳۷۵و ۲. ۵/۳۷۶. ۴۰/۳۷۸و ۴۱و ۴۳و ۴۴و ۵۰و ۵۲. ۲/۳۸۲و ۵و ۶و ۸(۲مورد)و ۹. ۲۸/۳۸۳و ۳۱. ۴۶/۳۸۴. ۲/۳۸۵(۲مورد)و ۳و ۷و ۱۰. ۲۵/۳۸۶و ۲۷و ۲۹. ۴۸/۳۸۷و ۴۹. ۴/۳۸۸و ۵و ۷(۲مورد)و ۸و ۱۰. ۱/۳۹۰و ۳و ۴(۲مورد)و ۶(۲مورد)و ۷. ۸/۳۹۱و ۹و ۱۹. ۳۰/۳۹۲و ۳۱و ۳۴. ۴۶/۳۹۳و ۵۱و ۵۶و ۵۷و ۶۰. ۶۴/۳۹۴و ۶۵و ۶۶و ۶۷و ۶۸و ۶۹.

[xvi]– ۷/۳۶۴و ۸و ۱۲. ۳۲/۳۶۵. ۳۴/۳۶۸. ۴/۳۷۰و ۵و ۶و ۷و ۸و ۱۱و ۱۴و ۱۸. ۳۰/۳۷۱و ۳۶و ۳۹. ۴۱/۳۷۲. ۱۳/۳۷۳و ۱۷و ۲۰. ۲۴/۳۷۴. ۱۶/۳۷۶و ۱۸. ۲۰/۳۷۷و ۲۱و ۲۲و ۲۶و ۳۴. ۴۷/۳۷۸. ۲۷/۳۸۰و ۲۹. ۳۶/۳۸۱و ۳۸و ۳۹. ۲۲/۳۸۳و ۲۷. ۴۴/۳۸۴. ۲۸/۳۹۲.

[xvii]– ۲۱/۳۶۵و ۲۸و ۳۶. ۳/۳۶۶. ۱۲/۳۶۷و ۱۳و ۱۴و ۱۵و ۱۹. ۲۱/۳۶۸و ۲۷و ۲۸و ۳۳و ۳۴و ۳۵و ۳۶. ۴۷/۳۶۹. ۵/۳۷۰و ۱۲و ۱۹. ۲۷/۳۷۱و ۲۸و ۳۲. ۴۸/۳۷۵و ۴۹. ۲۷/۳۸۰و ۳۱. ۳۵/۳۸۱و ۴۲و ۴۳و ۴۷. ۱۵/۳۸۳و ۲۹. ۳۷/۳۸۴و ۴۱.

[xviii]– ۱/۳۶۳. ۳۷/۳۶۶و ۴۱و ۴۲. ۱۰/۳۶۷و ۲۰. ۶/۳۷۰و ۱۹. ۳۳/۳۷۱. ۴/۳۷۳و ۱۳و ۲۱. ۲۶/۳۷۴و ۳۱و ۳۲و ۳۴و ۳۶و ۳۸. ۳/۳۷۵. ۲۹/۳۷۷. ۲۹/۳۸۶. ۱/۳۹۰و ۵. ۲۲/۳۹۱. ۳۹/۳۹۲. ۶۵/۳۹۴و ۶۶و ۶۸.

[xix]– ۱۱/۳۸۸و ۱۲(۲مورد)و ۱۳(۲مورد)و ۱۴و ۱۵.

[xx]– ۶. /۳۷۶ ۳۹/۳۷۸و ۴۱و ۴۳. ۱۷/۳۸۳. ۶/۳۹۰.

[xxi]– ۲۴/۳۶۵. ۷/۳۶۷و ۱۴. ۹/۳۷۰. ۳۱/۳۷۱. ۱۲/۳۷۶. ۵۲/۳۷۸. ۵۷/۳۹۳.

[xxii]– ۱/۳۶۳. ۳/۳۶۴و ۸. ۳۳/۳۶۵و ۳۵. ۵۱/۳۶۶و ۵۲. ۴۹/۳۶۹. ۲۵/۳۷۱و ۲۶و ۳۱. ۱۲/۳۷۳و ۱۳. ۳۱/۳۷۴. ۴۶/۳۷۵. ۴/۳۷۶و ۱۰. ۳۰/۳۷۷و ۳۳و ۳۵. ۴۹/۳۷۸و ۵۱. ۲۸/۳۸۰. ۴۳/۳۸۱. ۱۳/۳۸۲. ۵۱/۳۸۴. ۲/۳۸۵. ۱۵/۳۸۶و ۳۰. ۱۲/۳۸۸و ۱۷. ۲۶/۳۸۹. ۴۱/۳۹۰و ۴۵. ۱۵/۳۹۱و ۱۸و ۲۱و ۲۳. ۲۶/۳۹۲. ۵۶/۳۹۳. ۶۴/۳۹۴.

[xxiii]– ۱۵/۳۶۷. ۲۳/۳۶۸. ۲۰/۳۷۰. ۲۶/۳۷۴. ۱/۳۷۵. ۵/۳۷۶و ۱۱. ۲۲/۳۷۷. ۱۶/۳۷۹. ۴۱/۳۸۴. ۱۴/۳۹۱و ۲۳. ۵۹/۳۹۳.

[xxiv]– ۲۳/۳۶۸و ۲۴و ۲۹و ۳۲. ۱۵/۳۷۰و ۱۶. ۲۳/۳۷۱. ۳۱/۳۷۴. ۴/۳۷۶. ۳۱/۳۷۷و ۳۳. ۴۳/۳۷۸و ۵۰و ۵۱. ۱۰/۳۷۹. ۱۳/۳۸۵. ۵۰/۳۸۷. ۵/۳۹۰. ۲۶/۳۹۲. ۴۴/۳۹۳و ۶۰و ۶۱و ۶۲. ۶۵/۳۹۴و ۶۶و ۶۷و ۶۸و ۶۹و ۷۱و ۷۲.

[xxv]– ۴۹/۳۶۹. ۴۹/۳۷۸. ۴۵/۳۹۰و ۴. ۱۴/۳۹۱و ۱۵. ۴۲/۳۹۲. ۵۹/۳۹۳. ۶۴/۳۹۴.

[xxvi]– ۳/۳۸۲.

[xxvii]– ۳۰/۳۶۵و ۳۵. ۱۴/۳۷۶. ۸/۳۷۹. ۳۷/۳۸۴. ۱۹/۳۸۶.

[xxviii]– ۱۶/۳۷۰. ۴۲/۳۸۷.

[xxix]– ۳۵/۳۶۵. ۱۴/۳۷۶. ۳۰/۳۹۲

[xxx]– ۲۶/۳۶۵. ۴۷/۳۶۹. ۳۴/۳۷۱. ۲۴/۳۷۴. ۲/۳۷۵. ۳۸/۳۸۴.

www.SID.ir